

مقدمه

¹The elder unto the wellbeloved Gaius, whom I love in the truth.²Beloved, I wish above all things that thou mayest prosper and be in health, even as thy soul prospereth.³For I rejoiced greatly, when the brethren came and testified of the truth that is in thee, even as thou walkest in the truth.⁴I have no greater joy than to hear that my children walk in truth.⁵Beloved, thou doest faithfully whatsoever thou doest to the brethren, and to strangers; ⁶Which have borne witness of thy charity before the church: whom if thou bring forward on their journey after a godly sort, thou shalt do well: ⁷Because that for his name's sake they went forth, taking nothing of the Gentiles.⁸We therefore ought to receive such, that we might be fellowhelpers to the truth.⁹I wrote unto the church: but Diotrephes, who loveth to have the preeminence among them, receiveth us not.¹⁰Wherefore, if I come, I will remember his deeds which he doeth, prating against us with malicious words: and not content therewith, neither doth he himself receive the brethren, and forbiddeth them that would, and casteth them out of the church.¹¹Beloved, follow not that which is evil, but that which is good. He that doeth good is of God: but he that doeth evil hath not seen God.¹²Demetrius hath good report of all men, and of the truth itself: yea, and we also bear record; and ye know that our record is true.¹³I had many things to write, but I will not with ink and pen write unto thee:¹⁴But I trust I shall shortly see thee, and we shall speak face to face. Peace be to thee. Our friends salute thee. Greet the

¹من که پیرم، به غایس حبیب که او را در راستی محبت می‌نمایم.²ای حبیب، دعا می‌کنم که در هر وجه کامیاب و تندرست بوده باشی، چنانکه جان تو کامیاب است.³زیرا که بسیار شاد شدم چون برادران آمدند و بر راستی تو شهادت دادند، چنانکه تو در راستی سلوک می‌نمایی.⁴مرا بیش از این شادی نیست که بشنوم که فرزندانم در راستی سلوک می‌نمایند.

کمک به مبلغان

⁵ای حبیب، آنچه می‌کنی به برادران و خصوصاً به غریبان، به امانت می‌کنی،⁶که در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت دادند و هرگاه ایشان را بطور شایسته خدا بدرقه کنی، نیکویی می‌نمایی⁷ زیرا که بجهت اسم او بیرون رفتند و از امت‌ها چیزی نمی‌گیرند.⁸پس بر ما واجب است که چنین اشخاص را بپذیریم تا شریک راستی بشویم.

توصیه‌ها

⁹به کلیسا چیزی نوشتم لکن دیوتریفس که سرداری بر ایشان را دوست می‌دارد، ما را قبول نمی‌کند.¹⁰لهذا اگر آیم، کارهایی را که او می‌کند به یاد خواهم آورد زیرا به سخنان ناشایسته بر ما پاوه‌گویی می‌کند و به این قانع نشده، برادران را خود نمی‌پذیرد و کسانی را نیز که می‌خواهند، مانع ایشان می‌شود و از کلیسا بیرون می‌کند.¹¹ای حبیب، به بدی اقتدا منما، بلکه به نیکویی. زیرا نیکوکردار از خداست، و بدکردار خدا را ندیده است.

¹²همهٔ مردم و خود راستی نیز بر دیمتریوس شهادت می‌دهند و ما هم شهادت می‌دهیم و آگاهید که شهادت ما راست است.¹³مرا چیزهای بسیار بود که به تو بنویسم، لکن نمی‌خواهم به مرکب و قلم به تو بنویسم.

¹⁴لکن امیدوارم که به زودی تو را خواهم دید و زبانی گفتگو کنیم. سلام بر تو باد. دوستان به تو سلام می‌رسانند. سلام مرا به دوستان نام به نام برسان.

friends by name.